

آیا دعای رسول خدا (ص) در غدیر خم «اللهم انصر من نصره» مستجاب شد؟

سؤال کننده : علی رضا

طرح شبهه :

ابن تیمیه در منهاج السنه می نویسد :

الوجه السادس أن دعاء النبي صلى الله عليه وسلم مجاب و هذا الدعاء ليس بمجاب فعلم انه ليس من دعاء النبي صلى الله عليه وسلم فإنه من المعلوم انه لما تولى كان الصمابه و سائر المسلمين ثلاثه أصناف صنف قاتلوا معه و صنف قاتلوه و صنف قعدوا عن هذا و هذا و اكثر السابقين الأولين كانوا من القعود و قد قيل أن بعض السابقين الأولين قاتلوه ... و العسكر الذين قاتلوا مع معاوية ما فذلوا قط بل و لا فى قتال على فكيف يكون النبي صلى الله عليه وسلم قال اللهم اذل من فذله و انصر من نصره و الذين قاتلوا معه لم ينصروا على هؤلاء بل الشيعة الذين تزعمون انهم مفتصون بعلى ما زالوا مفذولين مقهورين لا ينصرون إلا مع غيرهم أما مسلمين وإما كفار و هم يدعون انهم أنصاره فأين نصر الله لمن نصره و هذا و غيره مما يبين كذب هذا الحديث .

دعای رسول خدا بدون شك اجابت می شود ؛ اما از اجابت این دعا (اللهم انصر من نصره و اذل...) اثر و فبرى شنیده نشده است، پس معلوم می شود که این دعا از پیامبر اکرم نیست ؛ چون وقتی که علی به خلافت رسید صمابه و دیگر مسلمانان سه گروه شدند گروهی همراه او بودند و گروهی با وی جنگیدند و گروهی دست از حمایت علی و معاویه بر داشتند ، و گفته شده است که متی برقى از سابقین اولین با وی جنگیدند ... و از لشکر معاویه کسی ذلیل و فوار نشد با اینکه می گوئید پیامبر خدا در حق آنان نفرین کرد ، و از طرفی همراهان علی نیز یاری نشدند و متی شیعه که علی را از فودش می داند هیچگاه نصرتی نداشته و همیشه ذلیل بوده اند و اگر هم داشته اند یا در جمع دیگر مسلمانان بوده اند یا کفار ؛ پس این نصرت خدا برای آنان کجا است؟ بنابراین ، دروغ بودن این حدیث (غدیر) آشکار می شود.

ابن تیمیه الحرانى ، أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم ، منهاج السنه النبویه ، ج 7 ، ص 55 - 59 ، تحقیق : د. محمد رشاد سالم ، ناشر : مؤسسه قرطبه ، الطبعة : الأولى ، 1406 هـ .

و در مجموع فتاواى ابن تیمیه آمده است :

وقوله «اللهم انصر من نصره ... الخ» فلاف الواقع قاتل معه أقوام يوم صفين فما انتصروا وأقوام لم يقاتلوا فما

فذلوا كسعد الذى فتح العراق لم يقاتل معه وكذلك اصحاب معاوية وبنى أمية الذين قاتلوه فتموا كثيرا من بلاد الكفار ونصرهم الله .

این دعای پیامبر : اللهم انصر من نصره... فلا ف واقع و دروغ است ؛ زیرا گروهی در صفین همراه با علی جنگیدند ؛ ولی پیروز نشدند و گروهی از یاری اش دست کشیدند و دلیل نشدند ؛ بلکه متی موفق هم بوده اند ؛ مانند سعد وقاص که عراق را فتح کرد و علی را هم کمک نکرده بود ، همچنین دوستان معاویه که با علی جنگیدند سرزمین های زیادی را از کفر پاک کردند و نصرت فدا همراه آنان بوده است .

ابن تیمیه الحرانی ، أحمد عبد الحلیم أبو العباس (متوفای 728 هـ) ، کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیه ، ج 4 ، ص 418 ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی ، ناشر : مکتبه ابن تیمیه ، الطبعة : الثانية .

خاصه شنبه :

طبق ادعای شیعه ، رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در غدیر خم بعد از اعلام ولایت امام علی علیه السلام فرموده : «اللهم من انصر من نصره واخذل من خذله ؛ خدایا ! یاری کن هر کس علی را یاری کند و خوار کن کسی که علی را خوار کند » . ما می دانیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم مستجاب الدعوه است و هر دعائی از آن حضرت به استجابت می رسد ؛ در حالی که این دعا به اجابت نرسیده و کسانی که با علی جنگیده اند ، مغلوب نشده و علی علیه السلام نیز پیروز نشده است ؛ بنابراین اصل دعای پیامبر دروغ است .

نقد و بررسی :

انکار سنت پیامبر (ص) توسط ابن تیمیه :

این سخن ابن تیمیه در حقیقت انکار سنت قطعی و ثابت رسول خدا است ؛ چرا که جمله «اللهم انصر من نصره واخذل من خذله» با سندهای معتبر و صحیح در منابع اهل سنت نقل شده است . که به چند مورد اشاره می کنیم :

الف . نسائی از سعید بن وهب :

أفبرنا المسین بن مریث المرزوی قال مدثنا الفضل بن موسی عن الأعمش عن أبي إسحاق عن سعید بن وهب قال قال علی فی الرمبة أنشد بالله من سمع رسول الله صلی الله علیه وسلم یوم غدیر فم یقول إن الله ولیی وأنا ولی المؤمنین ومن كنت ولیه فهذا ولیه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وأنصر من نصره .

قال فقال سعيد قام إلى جنبى ستاً وقال زيد بن يثيع قام عندى ستاً

سعيد بن وهب می‌گوید : علی در میدان شهر در سفنش گفت : شما را به خدا سوگند هر کس از پیامبر شنیده است که در غدیر خم فرمود : "ولیّ و سر پرست من فدا است و من سرپرست مؤمنانم و هر کس من ولیّ او هستم این علی ولیّ و سرپرست او است ، فدایا دوست بدار آنکه علی را دوست بدارد و دشمن بدار آنکه علی را دشمن بدارد و یاور باش آنکه علی را یاور باشد" ، شهادت خود را اعلام کند .

سعيد می‌گوید : شش نفر کنار دست من بلند شدند و زيد بن يثيع می‌گوید : نه نفر ایستادند و شهادت دادند .

النسائی ، أحمد بن شعيب أبو عبد الرحمن (متوفای 303 هـ) ، خصائص أمير المؤمنين علي بن أبي طالب ، ج 1 ، ص 117 ، ح 98 ، تحقيق : أحمد ميرين البلوشي ، ناشر : مكتبة المعلا - الكويت ، الطبعة : الأولى ، 1406 هـ .

مقدسی حنبلی بعد از نقل این روایت می‌گوید :

سئل الدارقطنی عنه فقال : مدث به الأعمش وشعبة وإسرائيل ، عن أبي إسحاق ، عن سعيد بن وهب ، عن علي ، وذكر ما فيه من الافتلاف قال : وأشبهها بالصواب قول الأعمش وشعبة وإسرائيل ومن تابعهم ، وقد روی نمو هذا عن عبدالرمن بن أبي لیلی عن علی علیه السلام (إسناده صحيح) .

المقدسی الحنبلی ، أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد (متوفای 643هـ) ، الأحادیث المختارة ، ج 2 ، ص 106 ، ح 481 ، تحقيق عبد الملك بن عبد الله بن دهيش ، ناشر : مكتبة النهضة الحديثة - مكة المكرمة ، الطبعة : الأولى ، 1410 هـ .

از دار قطنی در باره این حدیث سؤال شد گفت : اعمش ، شعبه و اسرائیل از سعید بن وهب از علی آن را نقل کرده‌اند ، سپس موارد افتلاف آن را نیز ذکر کرده و گفته است : نقل اعمش و اسرائیل و پیروان اینان به حقیقت نزدیکتر است ، سپس می‌گوید: مانند همین نقل را عبد الرمن بن ابی لیلی از علی روایت دارد که سندش هم صحیح است.

ابن کثیر دمشقی سلفی نیز پس از نقل متن قصه و مناشده علی علیه السلام می‌گوید : سند روایت «جید ؛ یعنی خوب» است:

عن سعيد بن وهب قال قال علي في الرهبة أنشد بالله رجلا سمع رسول الله يوم غدیر خم يقول ان الله ولي المؤمنین ومن كنت وليه فهذا وليه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره وكذلك رواه شعبه عن أبي إسحاق وهذا

اسناد جيد .

القرشي دمشقی ، إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء (متوفای 774هـ) ، البداية والنهاية ، ج 5 ، ص 210 ، ناشر : مكتبة المعارف - بيروت .

هر چند که تصریح مقدسی و ابن کثیر برای اثبات صحت سند روایت کفایت می‌کند ؛ اما در عین حال برای این که هیچ بهانه‌ای نماند ، تک تک روایات سند را نیز بررسی می‌کنیم :

الحسين بن حريث المروزي :

ذهبي در باره او می گوید :

المسین بن مریث أبو عمار الفزاعی المروزی ... ثقة .

مسین بن مریث ثقة و مورد اعتماد است.

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، الکاشف فی معرفه من له روایه فی الکتب الستة ، ج 1 ، ص 332 ، رقم : 1082 ، تحقیق محمد عوامه ، ناشر : دار القبلة للثقافة الإسلامية ، مؤسسة علو - جدة ، الطبعة : الأولى ، 1413هـ - 1992م .

و در سیر اعلام النبلاء از او با القاب امام ، حافظ و حجت نام می برد و می گوید :

المسین بن مریث فم د ت . ابن المسن بن ثابت بن قطیبة الامام المافظ المجهأ أبو عمار الفزاعی المروزی

مولی عمران بن مصین .

بفاری ، مسلّم ، أبو داود و ترمذی از مسین بن مریث روایت نقل کرده اند ، او امام ، حافظ و مجت است .

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، سیر اعلام النبلاء ، ج 11 ، ص 400 ، تحقیق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعیم العرقسوسی ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بیروت ، الطبعة : التاسعة ، 1413هـ .

الفضل بن موسى :

ذهبی در باره او می گوید :

الفضل بن موسى السینانی عن هشام بن عروه وطبقته وعنه إسحاق ومحمود بن غیلان وفلق ثبت مات 192 ع .

فضل بن موسى ، مورد اعتماد بود و در سال 192 از دنیا رفت .

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، الکاشف فی معرفه من له روایه فی الکتب الستة ، ج 2 ، ص 123 ، رقم : 4477 ، تحقیق محمد عوامه ، ناشر : دار القبلة للثقافة الإسلامية ، مؤسسة علو - جدة ، الطبعة : الأولى ، 1413هـ - 1992م .

و در میزان الاعتدال می گوید :

الفضل بن موسى السینانی المروزی ع أمد العلماء الثقات یروی عن صفار التابعین .

او یکی از دانشمندان مورد اعتماد بود که از فورده سالان از تابعین روایت می کرد.

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، میزان الاعتدال فی نقد الرجال ، ج 5 ، ص 437 ، تحقیق : الشيخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، الطبعة : الأولى ، 1995م .

سليمان بن مهران الأعمش :

ذهبی در باره او می گوید :

سليمان بن مهران المافظ أبو محمد الكاهلي الأعمش أمد الأعلام عن بن أبي أوفى وزر وأبي وائل وعنه شعبة ووکیع قال بن المدینی له ألف وثلاثمائة مديث عاش ثمانیا وثمانین سنة .

سليمان اعمش هزار و سیصد مديث روایت نقل کرده و هشتاد و هشت سال عمر کرد.

الذهبی ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، الكاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة ، ج 1 ، ص 464 ، رقم : 2132 ، تحقیق محمد عوامه ، ناشر : دار القبلة للثقافة الإسلامية ، مؤسسه علو - جدة ، الطبعة : الأولى ، 1413هـ - 1992م .

و در سیر اعلام النبلاء می گوید :

الأعمش . سليمان بن مهران الإمام شیخ الإسلام شیخ المقرئین والمحدثین .

او امام و شیخ الاسلام و استاد قاریان و اهل مديث بود.

الذهبی ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، سیر اعلام النبلاء ، ج 6 ، ص 226 ، تحقیق : شعيب الأرنؤوط ، محمد نعيم العرقسوسی ، ناشر : مؤسسه الرسالة - بيروت ، الطبعة : التاسعة ، 1413هـ .

أبو إسحاق السبيعي :

عمرو بن عبد الله أبو إسحاق الهمداني السبيعي أمد الأعلام ... هو كالزهري في الكثرة غزا مرات وكان صواما قواما عاش خمسا وتسعين سنة مات 127 ع

ابو اسحاق سبيعي یکی از بزرگان علم است ... مانند زهري روایات بسیار نقل کرده است ، در چندین جنگ مضور داشت و فراوان روزه می گرفت و شب زنده دار بود و 95 سال عمر کرد.

الذهبی ، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، الكاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة ، ج 2 ، ص 82 ، رقم : 4185 ، تحقیق محمد عوامه ، ناشر : دار القبلة للثقافة الإسلامية ، مؤسسه علو - جدة ، الطبعة : الأولى ، 1413هـ - 1992م .

و در تذكرة الحفاظ می گوید :

أبو إسحاق السبيعي عمرو بن عبد الله الهمداني الكوفي المافظ أمد الأعلام رأى عليا رضي الله عنه وهو يخطب قال أبو ماتم ثقة يشبه الزهري في الكثرة وهو امفظ من أبي إسحاق الشيباني قال فضيل بن غزوان كان أبو إسحاق يفتن في كل ثلاث وقيل كان صواما قواما متبتلا .

ابو اسحاق سیعی یکی از بزرگانی است که سفیرانی علی را شنیده است... ابو ماتم گفته که او مورد اعتماد است ، همانند زهری روایات بسیاری نقل کرده و از ابو اسحاق شیبانی در مفاظ و نکه داری مدیث قوی تر بوده ، فضیل بن غزوان گفته است:

ابو اسحاق در هر سه روز قرآن را فتم می کرد و زیاد روزه می گرفت و شب زنده دار بود.

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، تذکرة الحفاظ ، ج 1 ، ص 114 ، ناشر : دار الکتب العلمیة - بیروت ، الطبعة : الأولى .

سعید بن وهب :

ذهبی در باره او می گوید :

سعید بن وهب الفیوانی أهد أشرف همدان سماع من معاذ باليمن ومن علی وابن مسعود وعنه ابنه عبد الرمن وأبو إسحاق ثقة .

سعید از اشرف و بزرگان همدان است که در یمن از معاذ مدیث شنیده است و همپنین از علی و ابن مسعود نقل مدیث دارد و ثقة است.

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، الکاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة ، ج 1 ، ص 446 ، رقم : 1971 ، تحقیق محمد عوامه ، ناشر : دار القبلة للثقافة الإسلامية ، مؤسسة علو - جدة ، الطبعة : الأولى ، 1413هـ - 1992م .

و در سیر اعلام النبلاء می گوید :

سعید بن وهب . الهمدانی الفیوانی الکوفی من کبراء شیعة علی . مدث عن علی وابن مسعود ومعاذ بن جبل وفباب .

أسلم فی میاة النبی صلی الله علیه وسلم ولزم علیا رضی الله عنه حتی کان یقال له القراد للزومه إیاه .

ومدث عنه أيضا ابنه عبد الرمن له أمادیث وثقه یمی بن معین .

سعید از بزرگان شیعه علی بود ، از علی ، ابن مسعود و معاذ بن جبل و فباب مدیث نقل کرده ، وی در زمان پیامبر

مسلمان شد و ملازم و همراه علی بود و یمی بن معین او را توثیق کرده است.

الذهبی ، شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان ، (متوفای 748هـ) ، سیر أعلام النبلاء ، ج 4 ، ص 180 ، تحقیق : شعيب الأرناؤوط ، محمد نعیم العرقسوسی ، ناشر : مؤسسة الرسالة - بیروت ، الطبعة : التاسعة ، 1413هـ .

ب : بزار از زید بن یثیع :

مدتًا یوسف بن موسی قال نا عبید الله بن موسی عن فطر بن فلیفه عن اَبی إِسحاق عن عمرو ذی مر وعن سعید بن وهب وعن زید بن یثیع قالوا سمعنا علیا یقول نشدت الله رجلا سمع رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول یوم غدیر فم لما قام فقام إلیه ثلاثه عشر رجلا فشهدوا أن رسول الله صلی الله علیه وسلم قال أَلست أُولی بالمؤمنین من أنفسم قالوا بلی یا رسول الله قال فَأَفذ بید علی فقال من كنت مولاه فهذا مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وأمب من أمبه وأبغض من أبغضه وانصر من نصره وافضل من فذله .

ابو اسحاق از عمرو بن ذی مرّ ، سعید بن وهب و زید بن یثیع به اتفاق روایت کرده‌اند که از حضرت علی علیه السلام شنیدیم که فرمود: شما را به خدا سوگند، اگر کسی از شما از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز غدیر فم آن چه را درباره من فرموده ، شنیده است ، شهادت فود را اعلام نماید . سیزده تن از حاضران از جای برخواستند و شهادت دادند که از آن حضرت صلی الله علیه و آله شنیدیم که فرمود : مگر نه این که من از جان مؤمنان سزاوارتر از فود آن ها هستم ؟ مردم فرموده آن حضرت را تصدیق کردند . در این هنگام دست علی علیه السلام را گرفت و فرمود :

«من كنت مولاه فعلىّ مولاه اللهمّ وال من والاه و عاد من عاداه و امبّ من امبّه و ابغض من ابغضه و انصر من نصره و افضل من فذله» .

البزار ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای 292 هـ) ، البحر الزخار (مسند البزار) ج 3 ، ص 35 ، ح 786 ، تحقیق : د. محفوظ الرحمن زین الله ، ناشر : مؤسسه علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بیروت ، المدينه الطبعه : الأولى ، 1409 هـ .

همیشی بعد از نقل این روایت می گوید :

رواه البزار ورجاله رجال الصمیع غیر فطر بن فلیفه وهو ثقة .

این روایت را بزار نقل کرده و راویان آن راویان صمیع بفاری هستند ، غیر از فطر بن فلیفه که او نیز مورد اعتماد است .
الهمیشی ، علی بن ابی بکر (متوفای 807 هـ) ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 9 ، ص 105 ، ناشر : دار الریان للتراث/دار الكتاب العربی - القاهرة ، بیروت - 1407 هـ .

ج : طبرانی از حبشی بن جناده :

مَدَّثَنَا الْمُسَيَّبُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ التُّسْتَرِيُّ ثَنَا عَلِيُّ بْنُ بَكْرٍ ثَنَا سَلْمَةُ بْنُ الْفَضْلِ عَنْ سَلْمَانَ بْنِ قَرْمٍ الصَّبِيِّ عَنْ أَبِي إِسْمَاعِيلَ
الْهَمْدَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ مَبْشِيَّ بْنَ جُنَادَةَ يَقُولُ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ يَوْمَ غَدِيرِ فَمٍّ اللَّهُمَّ مَنْ كُنْتُ
مَوْلَاهُ فَعَلَيْكَ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَاوَالِهِ وَعَادِهِ مِنْ عَادَاهُ **وَأَنْصُرُ مَنْ نَصَرَهُ وَأَعِينُ مَنْ أَعَانَهُ**
مَبْشِيَّ بْنُ جُنَادَةَ مَيَّ كَوَيْدٍ: در غدیر فم از رسول خدا شنیدم که می فرمود: اللهم من ...

طبرانی ، سلیمان بن أحمد بن أبوب القاسم (متوفای 360هـ) ، المعجم الكبير ، ج 4 ، ص 16 ، ح 3514 ، تحقیق : حمدی بن عبدالمجید السلفی ،
ناشر : مكتبة الزهراء - الموصل ، الطبعة : الثانية ، 1404هـ - 1983م .

هیثمی بعد از نقل این روایت می گوید :

رواه الطبرانی ورجالہ وثقوا

این روایت را طبرانی نقل کرده است و همه راویان آن مورد اعتماد هستند.

الهیثمی ، أبو الحسن علی بن أبی بکر (متوفای 807 هـ) ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 9 ، ص 106 ، ناشر : دار الریان للتراث / دار الكتاب العربی -
القاهرة ، بیروت - 1407هـ .

جمل ابن تیمیہ به مفاهیم قرآن و سنت :

اگر کسی بخواهد با معیارهای ابن تیمیہ و همفکران او ، مسائل اسلامی و واژه‌های قرآنی را بررسی کند ، اصلاً عجیب نیست که بگوید
این دعای رسول خدا به اجابت نرسیده است ؛ چرا که اساساً معیار ابن تیمیہ و همفکران او با معیارهای قرآنی و الهی تفاوت اساسی دارد .
از دیدگاه ابن تیمیہ ، هرکس در میدان جنگ بر دیگری غلبه ظاهری پیدا کرد ، سربازان دشمن را کشت و بر امور مردم مسلط شد ،
پیروز میدان لقب گرفته و خداوند این شخص را نصرت و یاری کرده است .

این سخن ابن تیمیہ ثابت می‌کند که او با مفاهیم و معانی قرآن و واژه‌های سنت نبوی ، کاملاً بیگانه است و معنای «نصرت و
خذلان» را از دیدگاه قرآن درک نکرده و فقط معنای لغوی آن را که همان پیروزی و غلبه ظاهری ، سلطه بر امور مردم ، ظلم و ستم ،
کشتن نیکان و ... باشد فهمیده است ؛ از این رو ، طبیعی است که با معیارهای ابن تیمیہ و همفکران او ، معاویه پیروز میدان جنگ
لقب بگیرد و امیر مؤمنان و پیروان آن حضرت شکست خورده میدان .

این تفسیر از «نصرت و خذلان» فقط اختصاص به جنگ امیر مؤمنان علیه السلام با معاویه ندارد؛ بلکه همفکران ابن تیمیه همین تفسیر را در باره جنگ حسین بن علی علیه السلام با یزید نیز داشته‌اند و او را «کشته شمشیر جدش» دانسته‌اند. به عنوان نمونه شهاب الدین آلوسی در تفسیر روح المعانی می‌نویسد:

وأبو بكر بن العربي المالکی علیه من الله تعالى ما يستمق أعظم الفرية فزعم أن المسين قتل بسيف جده صلى الله تعالى عليه وسلم وله من الجهلة موافقون على ذلك .

ابن عربی بزرگترین تهمت و جسارت را در حق مسین روا داشته که نادانان دیگری هم در این جسارت او را همراهی کرده‌اند وی می‌گوید: مسین با شمشیر جدش رسول خدا کشته شد.

و باز در ادامه می‌نویسد:

قال ابن الجوزی علیه الرمة فی کتابه السر المصون: من الأعتقادات العامة التي غلبت على جماعة منتسبين إلى السنة أن يقولوا: إن يزيد كان على الصواب وأن المسين رضى الله تعالى عنه أظلماً في الفروع عليه .

یکی از مسائل شائع در بین گروهی از اهل سنت که جنبه اعتقادی هم گرفته این است که می‌گویند: مرکت و عمل یزید در برابر مسین صمیع و درست بود و این مسین بود که در قیامش علیه یزید اشتباه کرد.

الألوسی البغدادی، العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود (متوفى 1270هـ)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج 26، ص 73، ناشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت .

این منطق، منطق بنی امیه در سنجش حقایق و مسائل اسلامی بود، و کسی که این منطق اموی را که گفته‌اند:

«السلطان ظل الله في الأرض؛ حاكم سايه خدا در زمین است» بار دیگر احیاء کرد ابن تیمیه بود، آنان با این معیار خود ساخته، پیروزی جباران و سفاکان را در جنگ‌ها نصرت و یاری خداوند می‌دانند؛ و حال آنکه این منطق نه با مشیت و وعده‌های الهی سازگاری دارد و نه با اصول و معیارهای نظام سیاسی اسلام؛ پس در حقیقت چنین منطق و تفکری از نگاه دین باطل است.

زیرا خداوند، نصرت و یاری را همواره از آن انبیاء الهی علیهم السلام و خذلان و خواری را سرنوشت همیشگی دشمنان آن‌ها می‌داند. با آن که اکثر انبیاء از دشمنان خود در ظاهر شکست خورده و حتی جان خود و بسیاری از یاران و پیروان خود را از دست داده‌اند؛ اما خداوند آن‌ها را پیروز حقیقی می‌داند.

خداوند در باره نصرت پیامبران خود می‌فرماید:

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْمَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الشَّهَاد .

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند ، در زندگی دنیا و (در آخرت) روزی که گواهان به پا می‌فیزند یاری می‌دهیم !

و در آیه دیگر خطاب به کافرانی که یاران رسول خدا را ضعیف و کم می‌شمردند ، می‌فرماید که به زودی معلوم می‌شود که چه کسی یاوران ضعیف‌تر و کمتری خواهد داشت :

مَتَىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْتَعْظِمُونَ مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا .

الجن / 24 .

(کار شکنی کفار هم چنان ادامه می‌یابد) تا آنچه را به آنها وعده داده شده ببینند آن گاه می‌دانند چه کسی یاورش ضعیف‌تر و جمعیتش کمتر است !

و با این که ظاهراً کفار قریش در جنگ احد بر لشکر مسلمانان پیروز شده بودند ؛ اما منطق قرآن ، قریشیان را شکست خورده واقعی می‌داند و عذاب جهنم را به آنها وعده می‌دهد :

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَعْيُهُمْ وَ تُمْشِرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَ بئسَ الْمِهَادُ .

آل عمران / 12 .

به آنها که کافر شدند بگو : (از پیروزی موقت خود در جنگ اُمد ، شاد نباشید !) به زودی مغلوب شده و سپس (در ستافیز) به سوی جهنم ، ممشور فواید شد . و چه بد جایگاهی است !

اگر بخواهیم با معیارهای بنی امیه و ابن تیمیه وقایع جنگ احد را بسنجیم ، باید رسول خدا را شکست خورده و کفار قریش را پیروز میدان و منصور خداوند بدانیم ؛ چرا که پیروزی ظاهری با آنها بود ؛ اما منطق قرآن ، ابو سفیان‌ها را شکست خورده و رسول خدا را پیروز میدان احد می‌داند .

معیار و منطق قرآن در شکست و پیروزی این است که انبیاء و پیامبران و نیز مؤمنان و پیروان آنها همواره پیروز هستند ؛ هرچند که به ظاهر در برابر لشکر کفر شکسته خورده باشند .

بنابراین حسین بن علی علیهما السلام با خون خود بر یزید پیروز شد ، انقلابش را جاودانه ساخت و پیامش را به گوش همه آزاد اندیشان جهان تا قیام قیامت رساند ؛ هر چند که با معیارهای بنی امیه ، ابن تیمیه و همفکران او مغلوب لشکر یزید شدند و جان خود و یارانش را از دست دادند .

بر اساس همین منطق است که خداوند هابیل را می‌ستاید و از او با تکریم و تعظیم یاد کرده و کردار و رفتار او را الگوی دیگران معرفی می‌کند ؛ اما وقتی از قابیل سخن می‌گویند او را بازنده و زیانکار واقعی می‌دانند :

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَمِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْفَاسِرِينَ .

المائدة / 30 .

نفس سرکش، کم کم او را به کشتن برادرش ترغیب کرد (سرانجام) او را کشت و از زیانکاران شد .

با این که قابیل به ظاهر پیروز و موفق شده بود که وجود فیزیکی برادرش را از میان بردارد؛ اما از دیدگاه قرآن قابیل شکسته خورده و هابیل پیروز شده است .

با توجه به آن چه گذشت می‌گوییم :

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از خداوند می‌خواهد که نصرت و یاری الهی و ربانی خود را برای کسانی قرار دهد که امیر مؤمنان علیه السلام را یاری و با آن حضرت در مقابل دشمنانش ایستادگی می‌کنند ، و از آن طرف خذلان و خواری دنیوی و اخروی خود را نصیب کسانی نماید که در مقابل امیر مؤمنان ایستادند ، بیعت با او را شکسته و در صف دشمنان آن حضرت قرار گرفتند .

جنگ امیر مؤمنان با ناکثین ، قاسطین و مارقین به دستور خداوند بود :

طبق آن چه از منطق قرآن دانستیم ، به این نتیجه می‌رسیم که امیر مؤمنان علیه السلام پیروز واقعی جنگ‌های سه گانه با ناکثین ، قاسطین و مارقین بوده و خداوند او و یارانش را نصرت و یاری کرده ؛ هر چند که در ظاهر معاویه توانسته باشد حکومت را به دست بگیرد ؛ چرا که امیر مؤمنان علیه السلام به دستور خدا و رسول او با آن‌ها جنگیده است .

بزار در مسند خود می‌نویسد :

مَدَنَّا عِبَادَ بَنِ يَعْقُوبَ قَالَ نَا الرَّبِيعُ بِنِ سَعِيدِ قَالَ نَا سَعِيدُ بِنِ عُبَيْدِ عَنِ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَةَ عَنِ عَلِيٍّ قَالَ عَهْدَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي قِتَالِ النَّكَثِيِّينَ وَالْقَاسِطِيِّينَ وَالْمَارْقِيِّينَ .

علی فرمود : (رسول خدا ، از من برای جنگ با ناکثین و قاسطین و مارقین پیمان گرفت .

البزار ، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (متوفای 292 هـ) ، البحر الزخار (مسند البزار) ، ج 3 ، ص 26-27 ، ح 774 ، تحقیق : د. محفوظ الرحمن زین الله ، ناشر : مؤسسة علوم القرآن ، مكتبة العلوم والحكم - بيروت ، المدينة الطبعة : الأولى ، 1409 هـ .

هیثمی بعد از نقل این روایت می‌گوید :

رواه البزار والطبرانی فی الأوسط وأمد إسنادی البزار (رجال الصمیع غیر الربیع بن سعید ووثقه ابن مبان .

این روایت را بزار و طبرانی نقل کرده اند که رجال سند بکی از نقلهای بزار صمیع است غیر از ربیع بن سعید که ابن مبان

او را توثیق کرده است .

الهيثمي ، أبو الحسن علي بن أبي بكر (متوفى 807 هـ) ، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد ، ج 7 ، ص 238 ، ناشر : دار الريان للتراث / دار الكتاب العربي - القاهرة ، بيروت - 1407 هـ .

أبو يعلى در مسند خود می نویسد :

مدثنا الصلت بن مسعود الجمدري مدثنا جعفر بن سليمان مدثنا الفليل بن مرة عن القاسم بن سليمان عن أبيه عن
جده قال سمعت عمار بن ياسر يقول أمرت أن أقاتل الناكثين والقاسطين والمارقين .
عمار ياسر گفته است : به من دستور داده شد تا با ناکثین ، قاسطین و مارقین بجنگم .

أبو يعلى الموصلى التميمي ، أحمد بن علي بن المثنى (متوفى 307 هـ) ، مسند أبي يعلى ، ج 3 ، ص 194 ، ح 1623 ، تحقيق : حسين سليم أسد ،
ناشر : دار المأمون للتراث - دمشق ، الطبعة : الأولى ، 1404 هـ - 1984 م .

دولابی در کنی والأسماء همین مطلب را از عمار یاسر نقل می کند :

641 - مدثنا المسن بن علي بن عفان ، قال : ثنا المسن بن عطية ، قال : ثنا أبو الأرقم ، عن أبي الجارود ، عن أبي الربيع
الكندي ، عن هند بن عمرو ، قال : سمعت عمارا يقول : أمرني رسول الله [صلى الله عليه وسلم] أن أقاتل مع علي
الناكثين والقاسطين والمارقين .

رسول خدا به من دستور داد تا در کنار علی با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگم .

الدولابي ، الإمام الحافظ أبو بشر محمد بن أحمد بن حماد (متوفى 310 هـ) ، الكنى والأسماء ، ج 1 ، ص 360 ، تحقيق : أبو قتيبة نظر محمد
الفاريايى ، ناشر : دار ابن حزم - بيروت / لبنان ، الطبعة : الأولى ، 1421 هـ - 2000 م .

شاشی در مسند خود می نویسد :

322 مدثنا أحمد بن زهير بن حرب نا عبدالسلام بن صالح أبو الصلت نا عائذ بن ميبب نا بكر بن ربيعة وكان ثقة نا يزيد
بن قيس عن إبراهيم عن علقمة عن عبدالله قال أمر رسول الله صلى الله عليه وعلى آله وسلم عليا أن يقاتل الناكثين
والقاسطين والمارقين .

عبد الله بن مسعود می گوید: رسول خدا به علی دستور داد تا با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگد .

الشاشي ، أبو سعيد الهيثم بن كليب (متوفى 335 هـ) ، مسند الشاشي ، ج 1 ، ص 342 ، تحقيق : د. محفوظ الرحمن زين الله ، ناشر : مكتبة العلوم
والحكم - المدينة المنورة ، الطبعة : الأولى ، 1410 هـ .

طبرانی همین مطلب را از عبد الله بن مسعود نقل می کند :

مدثنا الهيثم بن خالد الدورى ثنا ممد بن عبید المكاربي ثنا الوليد بن ممد عن أبي عبد الرحمن المارثي عن إبراهيم

عَنْ عَلَمَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَمَرَ عَلِيٌّ بِقِتَالِ النَّكَّائِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ .

عبد الله بن مسعود می گوید : رسول خدا به علی دستور داد تا با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگد.

الطبرانی ، سلیمان بن أحمد بن ایوب أبو القاسم (متوفای 360هـ) ، المعجم الكبير ، ج 10 ، ص 91 ، ح 10054 ، تحقیق : حمدی بن عبدالمجید السلفی ، ناشر : مكتبة الزهراء - الموصل ، الطبعة : الثانية ، 1404هـ - 1983م .

و حاکم نیشابوری همین مطلب را أبو ایوب انصاری نقل می کند :

مدتاً أبو سعید أمد بن یعقوب الثقفی ثنا المسن بن علی بن شبيب المعمری ثنا ممد بن ممد ثنا سلمة بن

الفضل مدثنی أبو زید الأمول عن عقاب بن ثعلبة مدثنی أبو ایوب الأنصاری فی خلافة عمر بن الخطاب رضی الله عنه قال

أمر رسول الله صلى الله عليه وسلم على بن أبي طالب بقتال الناكثين والقاسطين والمارقين

ابو ایوب انصاری در دوران خلافت عمر نقل کرد که : رسول خدا به علی دستور داد تا با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگد.

النيسابوري ، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم (متوفای 405 هـ) ، المستدرک علی الصحیحین ، ج 3 ، ص 150 ، ح 4674 ، تحقیق : مصطفى عبد القادر عطا ، ناشر : دار الكتب العلمية - بيروت ، الطبعة : الأولى ، 1411هـ - 1990م .

مقدسی در البدأ والتاریخ می نویسد :

فقال على عليه السلام متى يأخذوا مالا ويسفكوا دما وكان يقول أمرني رسول الله صلى الله عليه وسلم بقتال

الناكثين والقاسطين والمارقين فالناكثون أصصاب الجمل والقاسطون أصصاب صفيين والمارقون الفوارج .

علی می گفت : رسول خدا به من دستور داد تا با ناکثین و قاسطین و مارقین بجنگم . ناکثان کسانی هستند که جنگ

جمل را به راه انداختند و قاسطین کسانی هستند که در صفيين جنگیدند و مارقین فوارج هستند.

المقدسی ، مطهر بن طاهر (متوفای 507 هـ) ، البدء والتاریخ ، ج 5 ، ص 224 ، ناشر : مكتبة الثقافة الدينية - بورسعيد .

ابن حجر عسقلانی تصریح می کند که امیر مؤمنان علیه السلام به دستور رسول خدا با ناکثین ، قاسطین و مارقین جنگیده است :

فَأَيُّدُهُ كَانَتْ وَقَعَهُ الْجَمَلُ فِي سَنَةِ سِتٍّ وَثَلَاثِينَ وَكَانَتْ وَقَعَهُ صَفِيْنُ فِي رِبْعِ الْوَالِ سَنَةِ سَبْعِ وَثَلَاثِينَ وَاسْتَمَرَّتْ ثَلَاثَةَ

أَشْهُرٍ وَكَانَتْ النَّهْرَوَانُ فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَثَلَاثِينَ

قَوْلُهُ ثَبَّتَ أَنَّ أَهْلَ الْجَمَلِ وَصَفِيْنِ وَالنَّهْرَوَانِ بُغَاهُ هُوَ كَمَا قَالَ وَيَدُلُّ عَلَيْهِ حَدِيثُ عَلِيٍّ أَمْرَتْ بِقِتَالِ النَّكَّائِينَ وَالْقَاسِطِينَ

وَالْمَارِقِينَ زَوَاهُ النَّسَائِيُّ فِي الْفَصَائِصِ وَالْبَزَّازُ وَالطَّبْرَانِيُّ وَالنَّكَّائِينَ أَهْلُ الْجَمَلِ لِأَنَّهُمْ نَكَّبُوا بَيْعَتَهُ وَالْقَاسِطِينَ أَهْلُ الشَّامِ

لِأَنَّهُمْ جَارُوا عَنِ الْمَقِّ فِي عَدَمِ مُبَايَعَتِهِ وَالْمَارِقِينَ أَهْلُ النَّهْرَوَانِ لِثُبُوتِ الْمَبْرِ الصَّمِيْعِ فِيهِمْ

أَنَّهُمْ يَمْرُقُونَ مِنَ الدِّينِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرِّمِيَّةِ وَتَبَّتْ فِي أَهْلِ الشَّامِ حَدِيثُ عَمَّارٍ تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ وَقَدْ تَقَدَّمَ
وَعَبَّرَ ذَلِكَ مِنَ الْأَحَادِيثِ .

جنگ جمل در سال سی و شش و جنگ صفین در ربیع الأول سال سی و هفت بود که سه ماه به طول انجامید ، جنگ
نهروان نیز در سال سی و هشت هجری اتفاق افتاد .

اهل جمل و صفین و نهروان همه متجاوز و ستمگر بودند ؛ زیرا جنگ با این سه گروه به فرمان پیامبر بوده است که به
علی فرمود : با ناکثین و قاسطین و مارقین می‌جنگی ، این روایت را نسائی در کتاب فصائل و بزار و طبرانی نقل
کرده‌اند . اهل جمل همان ناکثان هستند که بیعت فودشان را با علی شکستند و قاسطین اهل شام هستند ؛ چون علیه
مق قیام نموده و از بیعت سرپیچی کردند و مارقین اهل نهروان هستند که در فیر صمیع نیز آمده است که آنان از دین
همانند فارغ شدن تیر از کمان بیرون می‌روند و در باره اهل شام حدیث رسول خدا در باره عمار ثابت است که فرمود :
گروهی متجاوز و ستمگر او را می‌کشند .

تلخیص الحبیر فی أحادیث الرافعی الکبیر ، ج 4 ، ص 44 ، أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی (متوفای 852 ، ناشر : - المدینة المنورة -
1384 - 1964 ، تحقیق : السید عبدالله هاشم الیمانی المدنی

پس خداوند امیر مؤمنان و نیز عمار یاسر را یاری کرده ؛ هر چند که عمار به دست « فتنه باغیة ؛ گروه نابکار » و امیر مؤمنان به دست عبد
الرحمن بن ملجم - باقی مانده خوارج - به شهادت رسیدند .

نتیجه :

خداوند بنی امیه را خوار کرد ؛ هر چند که به ظاهر بیش از هشتاد سال بر مردم تسلط داشتند و سرزمین‌های زیادی را فتح کردند ، و علی
بن ابی طالب و یارانش را یاری کرد ؛ هر چند که در برخی از مواقع به ظاهر شکست خورده و یا جان خود را از دست دادند .
تاریخ خود صادق‌ترین گواه بر این مطلب است ؛ چرا که محبت امیر مؤمنان ، فکر ، عقیده و مرام او همواره در قلب مردم عالم جای دارد
، مرقد مطهر او ملجأ و پناهگاه عاشقان ، و یاران او مظهر وفاداری و جانبازی در راه اسلام شناخته می‌شوند ؛ اما با شنیدن نام بنی امیه
چیزی جز سیاهی و تباهی ، ظلم و جنایت ، بی‌بند و باری و فساد در ذهن مردم جهان خطور نمی‌کند .
و این خود بهترین دلیل بر استجابت دعای رسول خدا صلی الله علیه وآله است .